

تحلیل میزان اثربخشی مولفه‌های زمینه‌گرایی بناهای میان‌افزا بر انعطاف‌پذیری فضا در بافت سنتی شهر دزفول

امین محتشمی‌فر^۱ - سعید عظمتی^{۲*} - اعظم اسماعیلی^۳

۱. کارشناسی ارشد معماری، واحد تهران شرق، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
۲. استادیار، گروه معماری، واحد تهران شرق، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
۳. استادیار، گروه معماری، واحد تهران شرق، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۲۳ تاریخ اصلاحات: ۱۴۰۳/۰۵/۰۹ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۳/۰۶/۰۶ تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۱۲/۲۹

چکیده

در سال‌های اخیر، توجه به معماری بومی بیش‌تر از گذشته شده است. یکی از چالش‌های مهم در شهرهای مدرن، وجود بافت‌های تاریخی در قلب شهرهای معاصر است. ساخت‌وسازهای جدید در شهرها باعث جدایی بافت‌های تاریخی و نادیده‌گرفتن و کاهش ارزش‌های این بافت‌ها شده است. این مطالعه در بافت تاریخی شهر دزفول با هدف بررسی تأثیر زمینه‌گرایی بناهای میان‌افزا بر انسجام بصری و انعطاف‌پذیری فضایی انجام شده است. این پژوهش از روشی ترکیبی (کمی و کیفی) استفاده کرده است. ابتدا با مطالعه اسناد کتابخانه‌ای و مقالات مرتبط با معماری بومی و قابلیت‌های فضایی، مؤلفه‌های مؤثر استخراج شده‌اند. سپس برای تکمیل این مؤلفه‌ها و افزایش پایایی مفاهیم مذکور، مصاحبه‌هایی باز پاسخ با متخصصان معماری، شهرسازی و مرمت انجام شده است. با استفاده از داده‌های پرسش‌نامه و نرم‌افزار SPSS26 و انجام آزمون فریدمن برای بررسی نرمال بودن داده‌ها، رابطه بین متغیرها بررسی شد. سپس تحلیل رگرسیون با استفاده از نرم‌افزار Lisrel انجام گردید و در نهایت با توجه به ضرایب به‌دست آمده از متغیرهای پژوهش، گراف‌ها با کمک نرم‌افزار Gephi تولید شدند. براساس یافته‌های پژوهش در واکاوی دیدگاه افراد از شاخص‌های اثرگذار بر ادراک بناهای میان‌افزا در بافت سنتی شهر دزفول بین شاخص‌های مؤثر بر ارتقاء انسجام بصری و انعطاف‌پذیری فضایی ارتباط معنادار ($R=0.96$) است. نتایج تحلیل رگرسیون حاکی از آن بود که سازه‌های سبک (۱۴.۹۳)، تنوع فضایی (۱۵.۳۲)، فضاهاى چندعملکردی (۱۴.۷۶) و فرم بنا (۱۴.۷۱) مقداری از واریانس نگرش مثبت به انعطاف‌پذیری و انسجام بصری را پیش‌بینی نماید. معادلات ساختاری نیز نشان می‌دهد مدل برازش خوبی از داده‌های دنیای واقعی داشته و تأثیر متغیر انعطاف‌پذیری در مؤلفه‌های زمینه‌گرایی تأیید شده و برازش معنی‌دار بود.

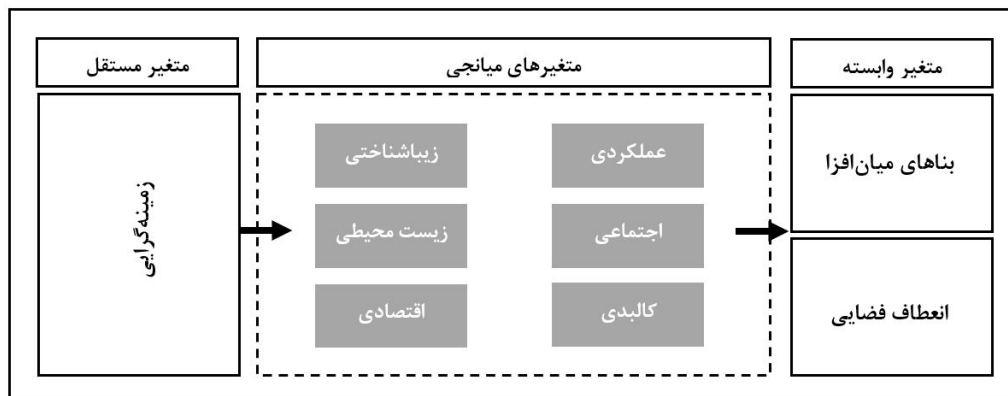
واژگان کلیدی: زمینه‌گرایی، معماری بومی، انعطاف فضایی، شهر دزفول، ادراک بصری.

۱. مقدمه

به دلیل وجود زیرساخت‌های مورد نیاز و به دلیل این‌که این فضاهای شهری با فرهنگ ساکنین همخوانی دارد باعث اشتیاق به سکونت و فعالیت ساکنین شده و از بعد کالبدی واجد ارزش‌های معماری و شهرسازی نیز است. لذا از بعد برنامه‌ریزی شهری به عنوان یکی از مسائل اساسی مورد توجه است. ساخت بناهای میان‌افزا به دلیل معماری خاص و با رویکرد طراحی مشخص علی‌رغم عدم همخوانی با فضاهای موصوف در میان سایر بناهای تاریخی موجود ساخته می‌شوند. از آن‌جا که بناهای میان‌افزا به لحاظ دوره زمانی هم‌دوره سایر بناهای پیرامون نیستند، بنابراین در بسیاری از موارد ممکن است ویژگی‌های کالبدی، فضایی و معماری متفاوتی داشته باشند (Bahmani et al. 2016). از ابتدای تاریخ، ثبات و استحکام جزء جداناپذیر ساختمان‌ها و بناها بوده است. این امر لزوماً تغییراتی در چیدمان داخلی و بافت ساختمان قدیمی ایجاد خواهد کرد. مطالعه حاضر در بافت تاریخی شهر دزفول با هدف بررسی تأثیر زمینه‌گرایی بناهای میان‌افزا بر انسجام بصری و انعطاف‌پذیری فضایی انجام شده است. بر این اساس، سؤال اصلی پژوهش این‌گونه مطرح می‌شود؛ مولفه‌های تأثیرگذار در زمینه‌گرایی تا چه میزان بر انسجام بصری و انعطاف‌پذیری در بافت سنتی دزفول مؤثر است؟ در ادامه، با بررسی پیشینه و ادبیات پژوهش و استخراج مولفه‌های مربوطه، به بررسی دقیق تأثیر انسجام بصری و انعطاف‌پذیری فضایی بر طراحی زمینه‌گرا پرداخته خواهد شد.

معماری بومی در سال‌های اخیر بیش‌تر از گذشته مورد توجه محافل معماری قرار گرفته است. یافتن ویژگی‌ای مشترک که بتواند تمام گونه‌های تاریخی و جغرافیایی معماری بومی را در بر گیرد، به شناخت بهتر این معماری کمک شایانی خواهد کرد (Naqavi and Kiaei 2018). محوطه‌های تاریخی و هسته‌های قدیمی شهرهای ما با چالش‌های متعددی روبه‌رو هستند. موضوع این پژوهش ساختارهای جدید در این عرصه‌هاست. بسیاری از کانون‌های سکونتی کشور در قرن حاضر هدف گسترش‌های شهری، استقرار خدمات بزرگ شهری، رشد فعالیت‌های تجاری، خدماتی و اداری، و جابجایی و رشد جمعیت قرار گرفته‌اند. در گذشته، در این محوطه‌ها، ترکیبی از بناهای ساخته‌شده در دوره‌های تاریخی متفاوت کنار هم قابل تشخیص بودند و هماهنگی منظر و ظاهر بافت، ویژگی مسلط آن‌ها بود (Abouei and Jafari 2022). وجود بافت‌های تاریخی در دل شهرهای معاصر یکی از چالش‌های اساسی شهرهای امروزی، است. ساخت و سازهای جدید در شهرها باعث جدایی بافت‌های تاریخی و نادیده‌گرفتن و کاهش ارزش‌های این بافت‌ها شده است (Hashempour et al. 2018). معماری بومی نوعی ساختار محلی یا منطقه‌ای است که برای ساخت آن از مصالح و منابع سنتی محلی استفاده می‌شود. معماری بومی دزفول براساس شرایط فرهنگی و اقلیمی محیط پیرامون شکل گرفته است. ظرفیت اقتصادی نهفته در بافت‌های تاریخی

شکل ۱: مدل مفهومی پژوهش



۲. پیشینه پژوهش

جدید در محیط‌های تاریخی با ظهور فناوری و شهرسازی مدرن در قرن نوزدهم همزمان هستند؛ زیرا در این دوران، شاهد تضاد آشکار میان شهرهای سنتی و ایده توسعه به روش‌های نوین هستیم (Ghanbari 2015). برنت سی برولین در کتاب «معماری زمینه‌گرا» بیان می‌کند که برای طراحی ساختمان‌های جدید به‌طوری که با زمینه معماری محیطی خود همخوانی داشته باشند، چندین روش مختلف وجود دارد. از یک سو، طراح می‌تواند عناصر

برای رسیدن به هدف پژوهش، منابعی که در زمینه‌های معماری بومی، معماری زمینه‌گرا و انعطاف‌پذیری فضایی هستند، مورد بررسی قرار گرفته و خلاصه‌ای از نتایج حاصل ارائه شده است. همچنین، تعدادی از منابع به‌طور مفصل در موضوع معماری بومی و زمینه‌گرایی آورده شده‌اند. با پیشرفت و گسترش جهان، مفهوم توسعه میان‌افزا شکل گرفت. مباحث مربوط به ساختارهای

(۲۰۰۲) نیز در این خصوص چنین می‌نویسد: «هدف اصلی معماری زمینه‌گرا، درک ارزش‌های معنوی و فیزیکی زمینه و انتقال آن به معماری آینده ساختمان‌هاست. به عبارتی، هماهنگ‌سازی ساختمان‌های جدید با معماری سنتی و مقیاس شهری، رویکرد اساسی نظریه زمینه‌گرایی در معماری به‌شمار می‌آید». هال (۲۰۰۴) بر این باور است که معماری باید توجه دقیق و ویژه‌ای به زمینه داشته باشد، زیرا زمینه می‌تواند پیشنهادات متعددی به عنوان مفاهیمی برای طراحی معماری ارائه دهد. به اعتقاد هال، زمینه فقط بستر ساختمانی نیست، بلکه شامل مفاهیم طراحی نیز می‌شود. او معتقد است: «ما همیشه با یک زمینه و موقعیت جدید مواجه هستیم و باید فرآیند طراحی را بر اساس شرایط موجود انجام دهیم» (Alam-dari et al. 2020).

معماری را از ساختمان‌های موجود در اطراف کپی کند. از سوی دیگر، امکان استفاده از فرم‌های کاملاً جدید نیز وجود دارد که به تغییر و ارتقاء ویژگی‌های بصری ساختمان‌های موجود کمک می‌کند (Bahramifar et al. 2022). بهمنی و همکاران (۲۰۱۶) در مقاله خود با عنوان «بررسی شناخت عوامل زمینه‌گرا در کالبد خانه‌ها و بافت تاریخی سنندج»، اظهار می‌کنند که شناخت عوامل زمینه‌گرایی معماری و توجه به اصول و مؤلفه‌های طراحی آن‌ها، همراه با تطبیق فضاها با نیازهای زندگی امروزی، می‌تواند پیوند بین گذشته و حال را برقرار سازد. اگر زمینه را شامل داشته‌های فرهنگی منطقه بدانیم، می‌توانیم به تعریف مشترکی از بوم و زمینه برسیم. روابط فرهنگی و اجتماعی و سیستم اقتصادی شهر نیز در تعریف زمینه نقش مهمی دارند (Naqavi and Kiaei 2018). جنکر

جدول ۱: بررسی پیشینه پژوهش

پژوهشگران	سال پژوهش	بررسی‌ها
بهمنی و همکاران	۱۳۹۵	تأثیرات زمینه‌ای و فرهنگی، ساخت خانه‌های سنندج، بازآفرینی و شناخت معماری زمینه‌گرا
نقوی و کیانی	۱۳۹۷	تعاریف و ویژگی‌های معماری بومی، زمینه‌گرایی و ابعاد زمینه
هاشم پور و همکاران	۱۳۹۷	زمینه‌گرایی، بازآفرینی، ارزش و اهمیت بافت تاریخی
کیانی و همکاران	۱۳۹۸	تأثیر نظام فضایی، خانه‌های سنتی، خانه‌های معاصر، قابلیت تغییرپذیری، تنوع‌پذیری و تطبیق‌پذیری
علمداری و همکاران	۱۳۹۹	زمینه‌گرایی، شاخص‌های معماری زمینه‌گرا، فرآیند طراحی معماری
ایرجی، الهام	۱۳۹۹	مولفه‌های بومی، مسکن روستایی، طراحی اقلیمی، صرفه‌جویی در انرژی
خدادادی و همکاران	۱۴۰۰	ارزش‌های بومی، تنوع مسکن بومی، بررسی نظریه‌های معماری بومی
ترشابی و همکاران	۱۴۰۰	انعطاف‌پذیری، مسکن بومی و روستایی، مسکن انعطاف‌پذیر، گونه‌شناسی مسکن در سیستم و بلوچستان
خلج امیرحسینی، بهزادپور	۱۴۰۱	معماری بومی، معماری مدرن، تقابل مدرنیته و سنت، پایداری

۳. مبانی نظری

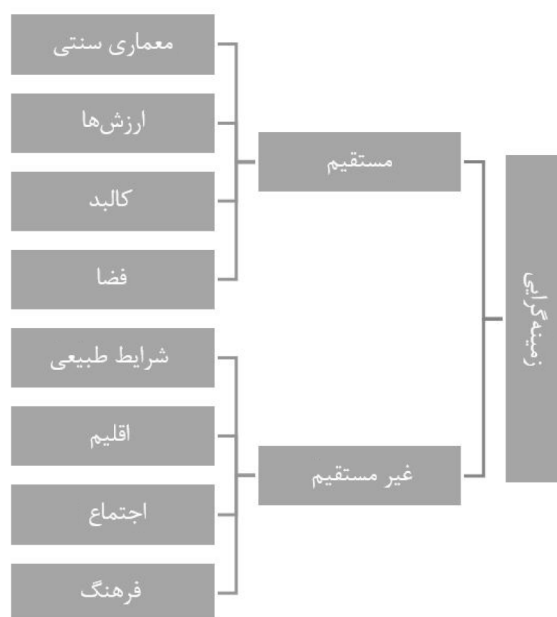
زمینه‌گرایی به معنای هماهنگی با زمینه‌های کالبدی تاریخی و اجتماعی- فرهنگی است. هر پدیده در محیط پیرامون خود تأثیر می‌گذارد و از آن تأثیر می‌گیرد و این تعاملات به وجود می‌آیند. زمینه به معنای مجموعه‌ای از شرایط و واقعیت‌ها است که یک موقعیت یا شرایط خاص را احاطه کرده و به درک بهتر آن کمک می‌کند. زمینه شامل محیطی است که معماری در آن شکل می‌گیرد و محتوای آن را تشکیل می‌دهد. معماری زمینه‌گرا به اهمیت توجه به محیط اطراف اثر معماری تأکید دارد و معتقد است توازن میان معماری و محیط می‌تواند هم برای خود اثر و هم برای زمینه تأثیر مثبت و تقویت‌کننده داشته باشد. زمینه‌گرایی الگویی برای خلق محیطی

مطلوب‌تر است، بنابراین شناخت و درک عمیق‌تر از زمینه و محیط برای معماران و طراحان امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است. معماری زمینه‌گرا تلاشی است برای نشان دادن پتانسیل‌های محیط بصری در مقیاسی گسترده‌تر از معماری. پیام اصلی معماری زمینه‌گرا ضرورت توجه به محیط کالبدی پیرامون اثر معماری است (Mohammadpour et al. 2012). اصل اساسی در این رویکرد، رعایت تداوم و ارتباط در طول زمان است. به طور کلی، زمینه‌گرایی تأکید دارد که گذشته نباید نادیده گرفته شود و برقراری ارتباط و پیوند میان زمان‌های گذشته، حال و آینده امری ضروری است. این رویکرد تلاش می‌کند تا ارزش‌ها و دستاوردهای معماری گذشته را حفظ کرده و آن‌ها را با نیازها و واقعیت‌های زمان حال

زمان، بلکه به‌عنوان عنصری پویا، متغیر و سیال در نظر گرفت. بنابراین، نمی‌توان اصول معماری را در زمینه‌ای که متغیر، سیال و در حال حرکت است، به صورت ایستا طراحی کرد. هر ساختمان باید براساس شرایط فرهنگی، اجتماعی، تاریخی، کالبدی و طبیعی خود طراحی و اجرا شود. در این صورت، ساختمان به عضوی همخوان با محیط اطراف و عنصری هماهنگ در بستر خود و در نهایت در محیط زیست تبدیل خواهد شد (Rahimi et al. 2021).

و آینده ترکیب کند. تولایی سه بعد برای زمینه‌گرایی نام می‌برد که عبارتند از: ۱) زمینه‌گرایی کالبدی: تأکید بر شکل و ساختار کلی که از قبل وجود داشته و هماهنگی ساختمان‌های جدید با این شکل کل. ۲) زمینه‌گرایی تاریخی: بررسی و حفظ نظم و روابط میان اجزای شهر در گذر زمان و تلاش برای ترکیب گذشته و حال در طراحی معماری، ۳) اجتماعی- فرهنگی: معانی، ارزش‌ها و اهداف مشترک شهرها را در کالبد خود متشکل از این سه بعد می‌داند (Damani Gol and Pourmousavi 2022). به‌طور کلی، زمینه‌گرایی را نباید به‌عنوان یک عامل ایستا در

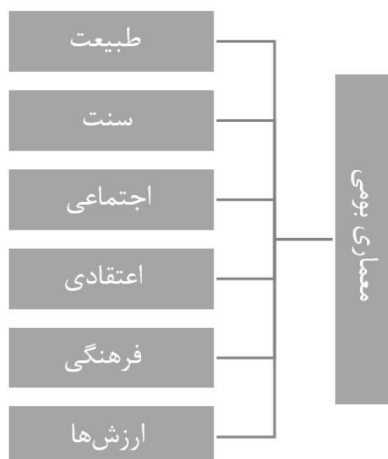
شکل ۲: مولفه‌های موثر بر زمینه‌گرایی از دیدگاه نظریه پردازان



بود؛ از این زمان به‌طور وسیعی مورد توجه قرار گرفت. مورخان معماری تا آن زمان عمدتاً بر معماری رسمی، علمی و یادمانی متمرکز بودند (Naqavi and Kiaei 2018). دل‌بستگی به معماری بومی در قرون هجدهم و نوزدهم میلادی، همزمان با تحولات اساسی در جهان کار و اقتصاد، این تغییرات به شکل خاصی نمایان می‌شوند. با وقوع انقلاب‌های اجتماعی و اقتصادی در جوامع و پیامدهای فرهنگی ناشی از آن، سنت‌های بومی به‌طور گسترده‌ای دچار تغییر و تحول شدند (Gholamalizadeh and Hassanzadeh 2016).

معماری بومی (Vernacular Architecture) شاخه‌ای از معماری است که بر اساس نیازهای منطقه‌ای و مصالح محلی شکل می‌گیرد و نمایانگر سنت‌های بومی آن منطقه است. به مرور زمان این نوع معماری بر اساس پیشینه محیطی، فرهنگی، فناوری و تاریخی منطقه تکامل یافت. معماری بومی در مقابل معماری رسمی قرار دارد که در آن عناصر سبکی طراحی به‌طور غیر اتفاقی و برای اهداف زیبایی‌شناسانه کنار هم قرار گرفته و از نیازهای ضروری ساختمان فراتر می‌روند. معماری بومی به‌عنوان یک گرایش معماری خالص که در تاریخ معماری تا نیمه قرن بیستم به‌طور مشخص به آن پرداخته نشده

شکل ۳: مولفه‌های موثر بر معماری بومی از دیدگاه نظریه پردازان



توسعه از ظرفیت قطعات خالی زمین در بافت‌های شهری و زمین‌های باقی‌مانده ناشی از تخریب ساختمان‌های قدیمی، به منظور جلوگیری از گسترش و توسعه شهر به زمین‌های باز و زراعی پیرامون، ارائه شده است. در این فرایند ایده معماری میان‌افزا برای حل مشکلات ناشی از رشد پراکنده و بی‌رویه شهرها نیز مورد تأکید قرار گرفت. در امتداد این فرایند تعریف مذکور در اواخر قرن بیستم تقویت شد ولی محدوده آن از تأکید بر افزایش تراکم و نوسازی بافت شهری فراتر نرفت و توسعه میان‌افزا درون فضاهای قابل استفاده بافت‌های تاریخی شهری را به‌عنوان یکی از محیط‌های قابل استفاده توسعه داد. اما بیش‌تر در حوزه حفاظت و مرمت بافت‌های شهری مورد توجه قرار گرفت. با این وجود، آنچه حائز اهمیت است، ارائه ساختاری جدید براساس مفاهیم معماری قرن بیستویکم شکل گرفته و منطبق با فعالیت‌ها و فناوری‌های نوین در حال توسعه می‌باشد. بنابراین، ساختارهای جدید نیز باید از نظر سبک، فرم، توده‌سازه، شیوه ساخت، کاربری، روابط فضایی، مصالح، جزئیات، مقیاس و تناسب با معماری معاصر همخوانی داشته باشند (Alamdari et al. 2020). انعطاف فضایی به معنای قابلیت تغییرپذیری یک سیستم بدون تغییر در خصوصیات و شاکله اصلی آن است (Wallburg and Wielland 2012). بنتلی از امکان انتخاب‌پذیری در کارکرد یک فضا صحبت کرده و انعطاف‌فضایی را به عنوان قابلیت فضا در پذیرش کارکردهای متعدد می‌داند. او معتقد است که مکان‌هایی که برای اهداف متنوعی استفاده می‌شوند، در مقایسه با مکان‌هایی که برای کاربری‌های مشخص و محدود طراحی شده‌اند، به کاربران حق انتخاب بیش‌تری می‌دهند. بنتلی اظهار می‌کند که محیط‌هایی که دارای چنین انتخاب‌پذیری هستند، کیفیتی به نام انعطاف‌پذیری دارند (Rahimi et al. 2021). انعطاف‌پذیری به معنای قابلیت تغییراتی است که برای رفع نیازهای کاربران باید هر دو حوزه فعالیت و کالبد معماری را در برگیرد، به گونه‌ای که کاربران بتوانند

بناهای میان‌افزا به‌عنوان ساخت و سازهای جدید در داخل بافت‌های تاریخی شناخته می‌شوند و به طور کلی پدیده‌ای نسبتاً نوظهور به‌شمار می‌روند. با توجه به تفاوت‌های عصر جدید و عصر قدیم، باید گفت که موضوع بناهای میان‌افزا در بافت‌های تاریخی یک مسئله جدید به‌شمار می‌آید. طراحی این نوع بناها باید به دقت زمینه تاریخی که در آن قرار دارند را در نظر بگیرد. فرم کلی، حجم، تناسبات و آرایش بخش‌های مختلف از یک بنا، شکل آن را تشکیل می‌دهد. طراحی جدید در یک زمینه تاریخی باید علاوه بر سازگاری با شکل غالب در بناهای مجاور، از کپی برداری خودداری کرده و ارتباط مناسبی برقرار کند. خط آسمان ساختمان باید با خط آسمان زمینه هماهنگی داشته باشد و آن را تقویت کند، به گونه‌ای که ضمن احترام به خصوصیات موجود در مناظر شهری، بیش از تقلید یا رقابت با وضع موجود، به آن کمک کند (Mohammadpour et al. 2012). این‌که آیا این امر با کپی برداری انجام می‌شود یا با استفاده از ابتکارات جدید معماری، موضوع مورد بحث ما نیست؛ آنچه مهم است، «تشابه خانوادگی» است. باید طوری باشد که پدیده‌ای هماهنگ و متجانس به محیط اضافه شود. باید از تفکرات سبک زمان خود فراتر رفت و سبک‌های مناسب برای زمینه‌های مختلف را در نظر گرفت، زیرا توجه به روحیه زمان کم‌تر از توجه به روحیه مکان به‌عنوان یک اندیشه معماری اهمیت دارد (Berolin 1980). برای ایجاد پیوند مستحکم بین یک بنای جدید و بناهای مجاور، اقتباس از مایه اصلی زمینه طراحی ضروری است. این ارتباط می‌تواند به روش‌هایی مانند کپی نزدیک از طرح موجود، استفاده از فرم‌های مشابه با تفسیر جدید در زمان معاصر، ایجاد فرم‌های جدید با همان تأثیر بصری فرم‌های قدیمی و تجریدی (انتزاعی) فرم‌های اولیه صورت گیرد. توسعه درون‌زای شهری برای بار اول در سال ۱۹۷۶ در کنفرانس هبیتات دوم مطرح و دو سال بعد توسط انجمن املاک و مستغلات آمریکا به‌صورت رسمی تعریف شد. در این نوع

مشاهدات محیط پیرامونی برای دستیابی به ادراک بهتر داری اهمیت است. این توجه می‌تواند کیفیت فضا را ارتقا دهد و رابطه دو سویه انسان و محیط را تقویت کند، و در این فرآیند حضور انسان در فضاهای شهری، احساس تعلق او را به فضاها و مسئولیت‌پذیری وی برای حفظ و بهبود کیفیت فضاها را در پی خواهد داشت (Masnavi and Fathi 2011).

با توجه به مبانی نظری و پیشینه پژوهش، هدف اصلی زمینه‌گرایی ایجاد یک کلیت منسجم در فرایند افزودن بنا به زمینه بناهای موجود است تا انسجام لازم به وجود آید. برای دستیابی به این انسجام در بافت تاریخی، شناخت دستور زبان بافت و استخراج الگوهای نهفته در آن ضروری است. با توجه به نیاز به بازنگری طراحی در بافت و وجود آشفتگی‌های بصری پیش‌آمده به عنوان تمرکز اصلی این پژوهش بر مولفه «انسجام بصری» به‌عنوان یکی از معیارهای مهم در تحقق زمینه‌گرایی است. این مولفه در حریم درجه دو بافت تاریخی شهر دزفول بر اساس زبان الگوی بافت مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در هر زمان و هر مکان با تغییراتی در نظام‌های فضایی و فعالیتی نیازهای خود را برآورده کنند (Kiani et al. 2019). حواس نقش حیاتی در تماس ما با محیط ایفا می‌کنند و اطلاعات لازم برای تفسیر رویدادهای اطرافمان را فراهم می‌کنند. این سیستم حسی شامل اندام‌هایی برای دیدن، شنیدن، بوییدن و لمس کردن است (Jeodicke 1985). بیش از هشتاد درصد از اطلاعات حسی ما از طریق بینایی دریافت می‌شود، و به همین دلیل، اغلب وقتی از ادراک صحبت می‌کنیم، منظورمان ادراک بصری است. زیرا علاوه بر ابعاد فرهنگی، حس بصری در مقایسه با سایر حواس، قابل مشاهده و قابل کنترل‌تر است (Douglas 2003). هدمن معتقد است در پروژه‌های طراحی شهری باید توجه داشت که مردم بسیار بیشتر از آنچه تصور می‌شود، پیرامون خود را مشاهده می‌کنند. مردم از تجربه دوباره مکان‌هایی که دارای ویژگی‌های بصری جذاب هستند و همچنین مکان‌هایی که به نظر می‌رسد همواره روابط و تأثیرات فضایی جدیدی دارند، لذت می‌برند (Modiri and Nourollahi 2015). لذا توجه به نقش زیبایی‌شناسی و ترجیحات بصری مردم نسبت به

جدول ۲: کدگذاری شاخص‌ها توسط نرم‌افزار مکس کیو دی ای

میانگین	ابعاد	مولفه‌ها
۰.۸۷۱	شرایط طبیعی	زمینه‌گرایی
۰.۹۱۰	معماری منطقه	
۰.۷۶۳	سنت‌گرایی	
۰.۶۱۲	بافت تاریخی	
۰.۹۳۳	زیست محیط	
۰.۸۷۹	کالبد	
۰.۹۲۰	ارزش‌های جامعه	
۰.۶۵۳	شیوه زندگی	
۰.۸۹۰	معماری گذشته	
۰.۷۶۶	خوانایی	
۰.۸۸۴	اصالت بومی	
۰.۹۰۳	هویت	
۰.۷۱۵	ارزش‌ها	معماری بومی
۰.۹۱۲	محیط زیست	
۰.۹۷۶	طبیعت	
۰.۸۵۱	اعتقادات	
۰.۹۹۲	فرهنگ منطقه	

میانگین	ابعاد	مولفه‌ها
۰.۹۰۱	اقلیم	معماری بومی
۰.۷۶۲	سنت‌ها	
۰.۶۲۰	باورها	
۰.۷۱۵	اقتصاد	
۰.۸۹۰	توسعه شهری	بناهای میان‌افزا
۰.۸۲۶	بازسازی خلاقانه	
۰.۸۳۲	مناطق توسعه یافته	
۰.۹۳۹	ساختار جدید	
۰.۷۱۳	گسترش خدمات و امکانات	
۰.۶۰۷	کم‌مصرفی	
۰.۷۹۳	ساختمان‌های فرسوده	
۰.۹۹۵	بازسازی	
۰.۸۰۵	پراکندگی فضایی	
۰.۷۶۵	تراکم و فرم	
۰.۷۳۹	کاربری‌های مختلف	انعطاف فضایی
۰.۹۸۰	فعالیت‌های مختلف	
۰.۹۶۶	عملکرد ساختمان‌ها	
۰.۹۹۶	عملکرد فضاهای عمومی	
۰.۸۳۴	کارکردهای مختلف اقتصادی	
۰.۸۷۱	کارکردهای مختلف اجتماعی	
۰.۹۹۸	کارکردهای مختلف منطقه	

۴. روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر به صورت ترکیبی (کمی و کیفی) انجام شده است. در گام نخست، با مطالعه اسناد کتابخانه‌ای و مکتوب، مقالات مرتبط در حوزه معماری بومی و قابلیت‌های فضایی، مؤلفه‌های مؤثر استخراج شدند. سپس برای تکمیل مؤلفه‌ها و ایجاد پایایی در مفاهیم فوق، مصاحبه‌های باز پاسخ با متخصصین معماری، شهرسازی و مرمت انجام شد. جامعه تحقیق شامل ۲۵ نفر از متخصصان معماری، شهرسازی و مرمت بود. پس از جمع‌بندی مؤلفه‌ها، با استفاده از روش زمینه‌گرایی، کدگذاری باز توسط نرم‌افزار مکس کیو.دی.ای^۱ صورت گرفت و مفاهیم برای دومین بار جهت تأیید و یا تکمیل به متخصصین ارجاع داده شد. سپس با استخراج اولویت‌های اصلی تحقیق، پرسش‌نامه جدیدی تدوین و بین متخصصین و صاحب‌نظران شهری به تعداد ۱۵ نفر به

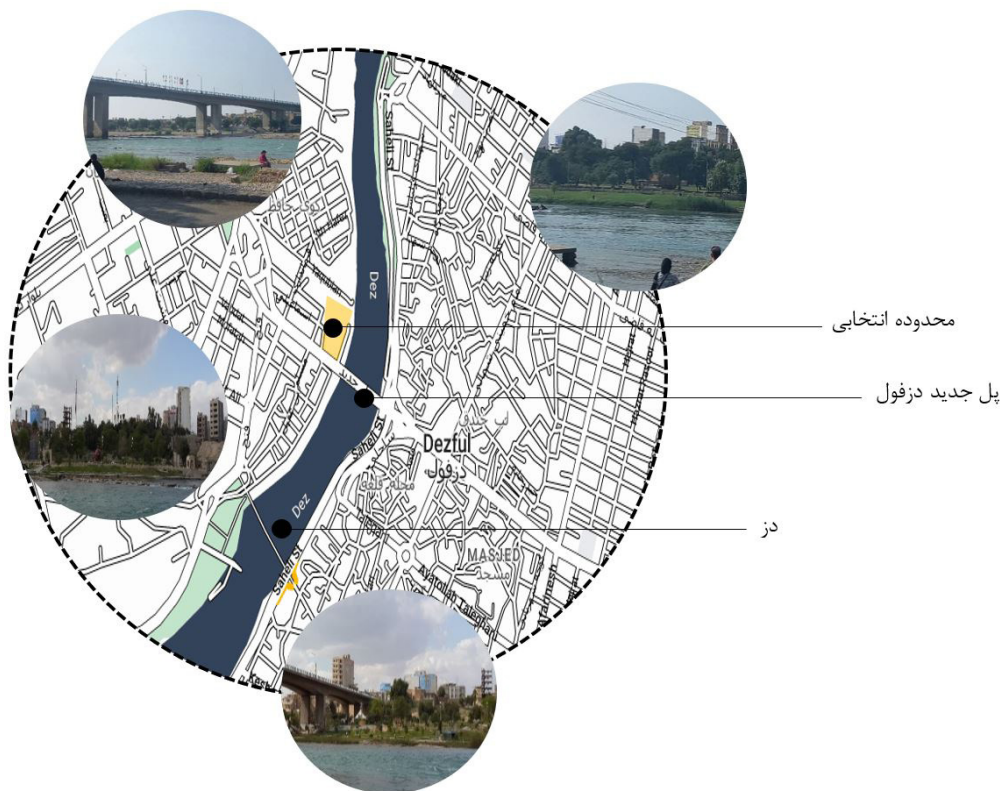
دلیل محدودیت‌های موجود در جمع‌آوری داده‌ها توزیع و نتایج برای تحلیل داده‌ها جمع‌آوری شد. به موازات ساخت ابزار پژوهش، با استفاده از مشاهدات میدانی در بافت ارزشمند و سنتی دزفول، مؤلفه‌های معماری بومی به صورت تصاویر ضبط گردید. این پرسش‌نامه به گروه متخصصین جهت تأیید پایایی و روایی ارجاع داده شد و نتایج مشاهدات نیز به پرسش‌نامه اضافه گردید. با استفاده از داده‌های پرسش‌نامه و نرم‌افزار SPSS26 و با بهره‌گیری از آزمون فریدمن برای بررسی نرمال بودن داده‌ها، اقدام به تحلیل آماری شد و سپس مدل‌سازی روابط ساختاری توسط نرم‌افزار لیسرل^۲ صورت پذیرفت. در ادامه، با توجه به ضرایب به‌دست‌آمده از متغیرهای پژوهش، گراف‌ها تولید شدند. در این خصوص، جفی^۳ یکی از نمونه برنامه‌های قابل توجه است که منحصرأ به طراحی، محاسبات و تولید گراف اختصاص یافته است.

۴-۱- محدوده مورد مطالعه

شمسی توسط یک پیمانکار خارجی ساخته شد. این پل که پر رفت‌وآمدترین پل بنا شده بر روی رودخانه دز است، در امتداد خیابان شریعتی قرار دارد و بافت قدیمی شهر را به ساحل غربی رودخانه و جاده اندیمشک متصل می‌کند. محدوده انتخابی به دلیل حضور مداوم کاربران و زندگی جاری در آن انتخاب شده است. این پویایی باعث ایجاد تغییرات و تداخلات در بافت تاریخی شهر شده است. بنابراین بررسی این محدوده به منظور مطالعه زمینه‌گرایی بناهای میان‌افزا از اهمیت بالایی برخوردار است.

دزفول یکی از شهرهای استان خوزستان است که در ساحل شرقی رود دز و جنوب غربی رشته کوه زاگرس واقع شده و پیشینه‌ای چندین هزار ساله دارد. این شهر به‌عنوان یکی از کهن‌ترین شهرهای استان خوزستان شناخته می‌شود. محدوده مورد مطالعه در شهر دزفول، خیابان دکتتر شریعتی، جنب پل جدید دزفول است. پل جدید دزفول که به پل شریعتی یا پل شهید سلیمانی نیز معروف است، یک پل بتنی است که در سال ۱۳۵۱

شکل ۴: محدوده مورد مطالعه



میزان پایایی ابزارهای تحقیق از روش همسانی درونی یا آلفای کرونباخ استفاده شده است. همان‌طور که مشخص است، مقدار این آماره بیش‌تر از ۰,۷ است که نشان‌دهنده پایا و قابل اعتماد بودن پرسش‌نامه برای تحلیل‌های بعدی می‌باشد.

۴-۲- تحلیل داده‌های کمی

در این بخش، داده‌های جمع‌آوری شده از پرسش‌نامه‌ها که با هدف شناسایی مولفه‌های مؤثر بر بناهای میان‌افزا و تأثیر آن‌ها بر انسجام بصری و انعطاف‌پذیری فضایی در بافت سنتی شهر دزفول توزیع شده بودند، مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار می‌گیرند. در این پژوهش، برای ارزیابی

جدول ۳: میزان پایایی سوالات پرسش‌نامه

پایایی تحلیل‌های آماری	
تعداد آیتم‌ها	آلفای کرونباخ
۵۱	۰.۹۳۰

می‌شوند و برای هر دسته ضریب لامبا محاسبه می‌شود.
براساس جدول فوق، پایایی تحقیق با استفاده از روش
گاتمن نیز تایید شده است.

روش گاتمن، برخلاف پایایی آلفای کرونباخ که پایایی را
بر اساس متغیرها بررسی می‌کند، پایایی پاسخ‌ها را ارزیابی
می‌کند. در این روش، پاسخ‌ها به شش دسته تقسیم

جدول ۴: آزمون پایایی گاتمن

۰.۹۷۶	۱
۰.۹۶۵	۲
۰.۹۵۲	۳
۰.۸۳۵	۴
۰.۹۲۵	۵
.	۶
۵۱	تعداد

است. در تفسیر نتایج آزمون فریدمن، برای تعیین این‌که
آیا تفاوت میانگین آراء افراد از مولفه‌ها معنادار است یا
خیر، باید از نتایج جدول (Test-statistics) استفاده کنیم.

در این پژوهش، برای سنجش آرای افراد و رتبه‌بندی
میزان اهمیت هر یک از مولفه‌های مؤثر بر بناهای میان‌افزا
و تأثیر آن‌ها بر انسجام بصری و انعطاف‌پذیری فضایی در
بافت سنتی شهر دزفول، از آزمون فریدمن استفاده شده

جدول ۵: آزمون فریدمن

N	۱۰۰
Chi-Square	۴۳۶.۲۱۵
df	۲۳
Asymp.sig	۰.۰۰۰

رسیدن به این منظور، می‌توانیم از نتایج جدول (تحت
عنوان Ranks) استفاده کنیم. نتایج در جدول ۶ نشان
داده شده است.

آزمون فریدمن علاوه بر بررسی معناداری تفاوت یا عدم
تفاوت میانگین رتبه مولفه‌ها از دیدگاه افراد پاسخگو، به
اولویت‌بندی معیارها از دیدگاه آن‌ها نیز می‌پردازد. برای

جدول ۶: اولویت‌بندی مولفه‌های اثرگذار بر بناهای میان‌افزا بر انسجام بصری و انعطاف‌پذیری فضایی در بافت سنتی
شهر دزفول براساس آزمون فریدمن

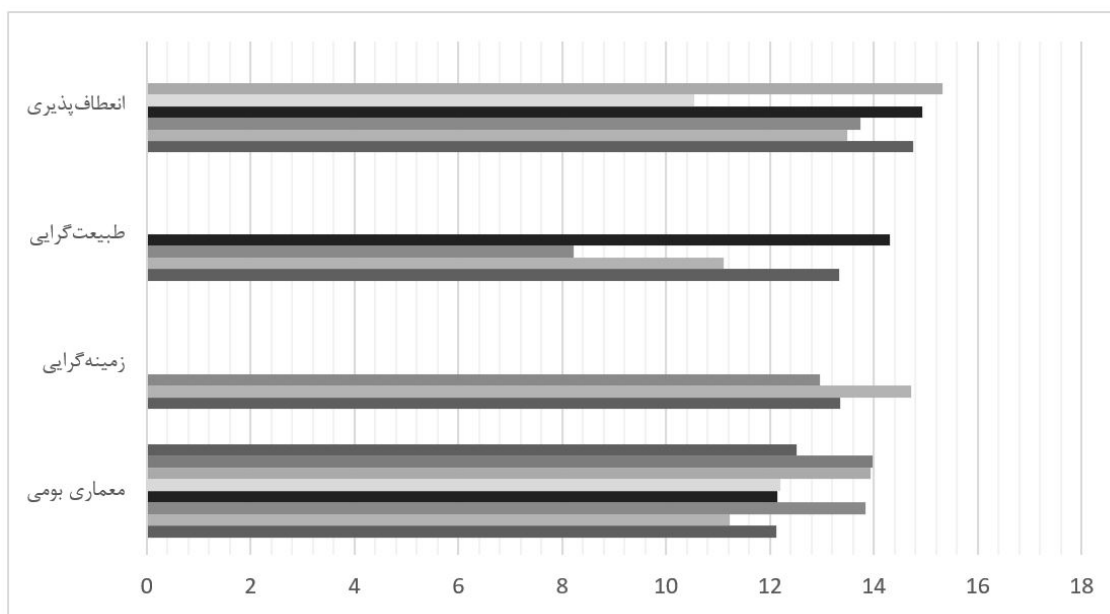
میانگین رتبه	شاخص‌ها	میانگین رتبه	مولفه‌ها
۱۲.۱۳	گودال باغچه	۴.۳۶	معماری بومی
۱۱.۲۳	ایوان کشیده		
۱۳.۸۴	مصالح با ظرفیت حرارتی بالا		
۱۲.۱۵	بازشوهای کشیده و نواری		
۱۲.۲۰	تابش خورشید		
۱۳.۹۳	بادگیر		
۱۳.۹۸	شوادان		
۱۲.۵۲	شکل هندسی حیاط		
۱۱.۳۴	حیاط مرکزی		

میانگین رتبه	شاخص‌ها	میانگین رتبه	مولفه‌ها
۱۳.۳۶	فرم بام	۴.۰۱	زمینه‌گرایی
۱۴.۷۱	فرم بنا		
۱۲.۹۶	درون‌گرایی		
۱۳.۳۴	درختان دفع حشرات	۳.۵۹	طبیعت‌گرایی
۱۱.۱۰	بازی با آب		
۸.۲۳	آب جاری		
۱۴.۳۰	گیاهان بومی		
۱۴.۷۶	فضای چندعملکردی	۴.۷۵	انعطاف‌پذیری
۱۳.۴۹	تفکیک و تجمیع		
۱۳.۷۴	جابه‌جایی روزانه و فصلی		
۱۴.۹۳	سازه سبک		
۱۰.۵۴	سازه‌های پیش‌ساخته		
۱۵.۳۲	تنوع فضایی		

انعطاف‌پذیری، زمینه‌گرایی و طبیعت‌گرایی به ترتیب بالاترین میانگین رتبه را به خود اختصاص داده‌اند. در ادامه، میانگین رتبه معیار اثرگذار بر بناهای میان‌افزا در بافت سنتی شهر دزفول واکاوی شده است. یافته‌ها در شکل ۵ نشان داده شده‌اند.

مبتنی بر یافته‌های پژوهش، بین مولفه‌های اثرگذار بر بناهای میان‌افزا بر انسجام بصری و انعطاف‌پذیری فضایی در بافت سنتی شهر دزفول اختلاف معناداری وجود دارد. یافته‌ها نشان می‌دهند که از دیدگاه افراد شرکت‌کننده در پژوهش، معماری بومی مهم‌ترین معیار اثرگذار بر بناهای میان‌افزا در بافت سنتی شهر دزفول است. پس از آن،

شکل ۵: الویت‌بندی مولفه‌ها براساس آزمون فریدمن



سنتی شهر دزفول نشان می‌دهند، مهم‌ترین شاخص‌های مؤثر بر ارتقای انسجام بصری و انعطاف‌پذیری فضایی به

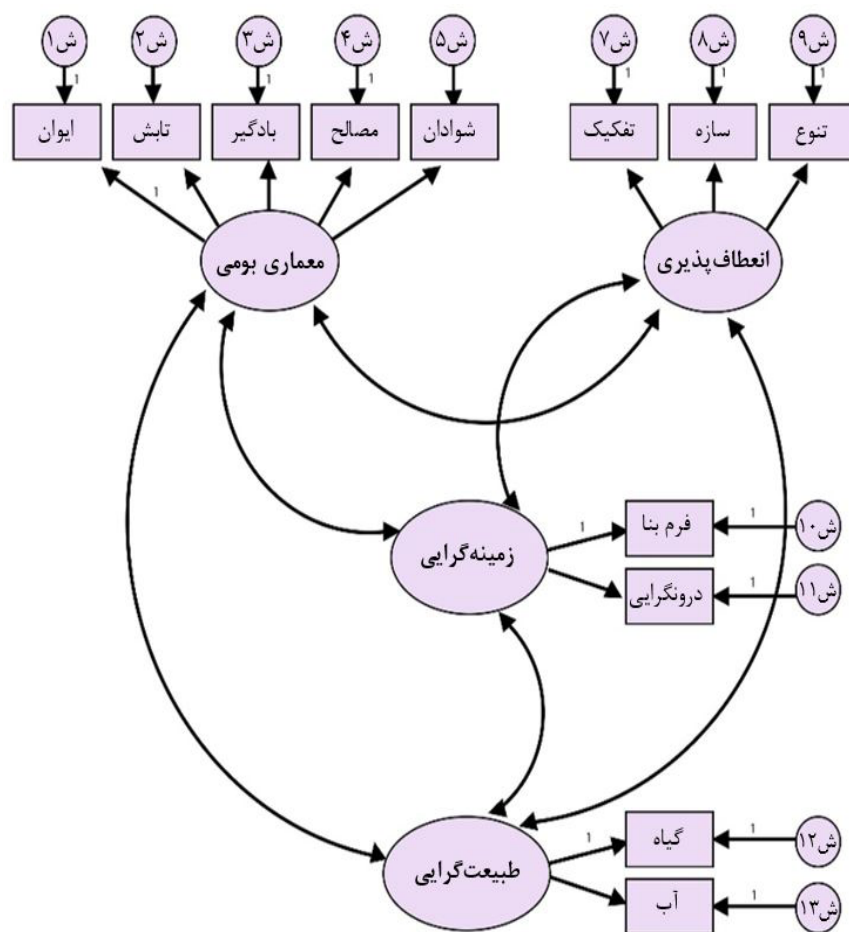
همان‌طور که یافته‌های پژوهش در واکاوی دیدگاه افراد از شاخص‌های اثرگذار بر ادراک بناهای میان‌افزا در بافت

چند عملکردی است. این شاخص به صورت مستقیم رابطه
ضعیفی داشته است، اما در رابطه غیرمستقیم ۰,۲۷ از
تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کند. براساس میزان
اثر کل هر عامل (که از جمع اثر مستقیم و غیرمستقیم
به دست می‌آید)، می‌توان دو شاخص اثرگذار بر متغیر
انعطاف‌پذیری فضایی را به این شکل اولویت‌بندی کرد:
۱- تنوع فضایی ۲- فضاهای چندعملکردی.

ترتیب عبارتند از: تنوع فضایی و فضاهای چندعملکردی.
براساس مدل ساختاری (شکل ۶) می‌توان گفت که
مهم‌ترین عامل تأثیرگذار به صورت مستقیم بر تنوع
فضایی، انعطاف‌پذیری است. بدین معنا که هرچه بنای
طراحی شده از تنوع و گوناگونی فضایی بیش‌تری برخوردار
شود، میزان انعطاف‌پذیری در آن بنا نسبت به دیگر
بناها بیش‌تر خواهد بود. عامل تأثیرگذار بعدی، فضاهای

$$\text{اثر غیر مستقیم} = ۰.۹۶ * ۰.۲۶ = ۰.۲۵ / \text{اثر مستقیم} = ۰.۰۳ / \text{اثر کل} = ۰.۰۳ + ۰.۲۵ = ۰.۲۸$$

شکل ۶: مدل ساختاری



میان‌افزا بر انسجام بصری و انعطاف‌پذیری فضایی در بافت
سنتی شهر دزفول با یکدیگر از ضریب همبستگی پیرسون
استفاده می‌شود.

۳-۴- بررسی رابطه بین مولفه‌های اثرگذار بر
بناهای میان‌افزا بر انسجام بصری و انعطاف‌پذیری
فضایی در بافت سنتی شهر دزفول
به منظور سنجش رابطه بین مولفه‌های اثرگذار بر بناهای

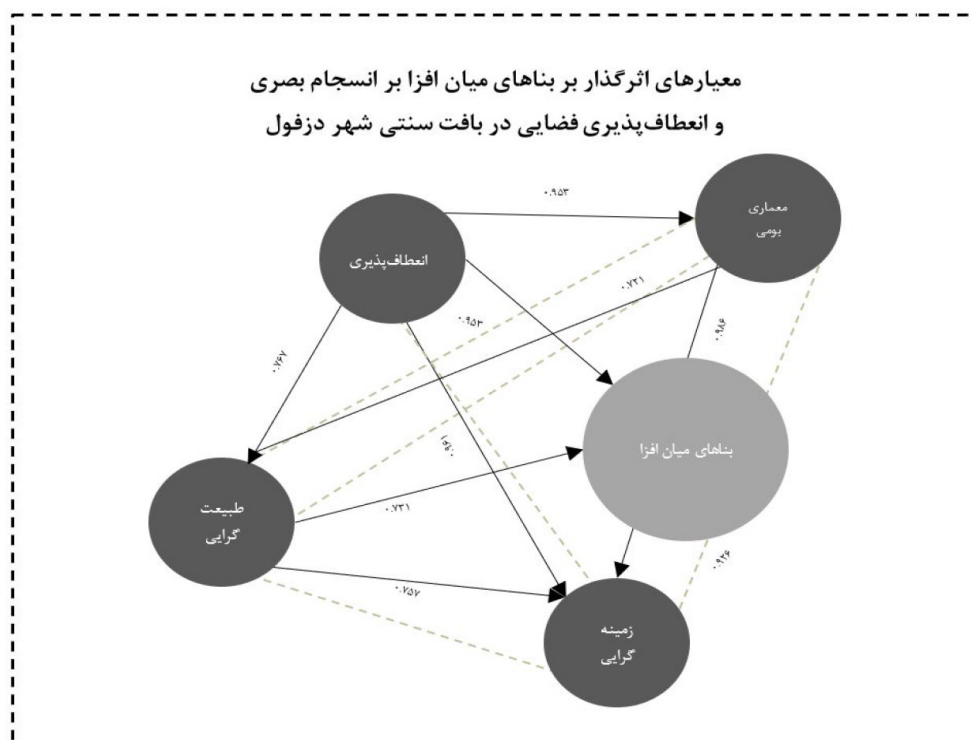
جدول ۷، ضریب همبستگی پیرسون برای بررسی رابطه بین هریک از مولفه‌های اصلی تاثیرگذار بر بناهای میان‌افزا بر انسجام بصری و انعطاف‌پذیری فضایی در بافت سنتی شهر دزفول

معیارهای اثرگذار بر بناهای میان‌افزا بر انسجام بصری و انعطاف‌پذیری فضایی در بافت سنتی شهر دزفول	معماری بومی	زمینه‌گرایی	طبیعت‌گرایی	انعطاف‌پذیری
معماری بومی	۱			
زمینه‌گرایی	۰.۹۸۶**	۱		
طبیعت‌گرایی	۰.۷۲۱**	۰.۷۵۷**	۱	
انعطاف‌پذیری	۰.۹۵۳**	۰.۹۶۱**	۰.۷۶۷**	۱

**p<0.01 و *p<0.05

باتوجه به یافته‌های جدول ۷، مشاهده می‌شود که بین ابعاد کلی اثرگذار بر بناهای میان‌افزا بر انسجام بصری و انعطاف‌پذیری فضایی در بافت سنتی شهر دزفول رابطه دو سویه‌ای برقرار است. این بدان معناست که ارتقای الگوگیری از معماری بومی در بناهای میان‌افزا، زمینه‌گرایی و طبیعت‌گرایی، زمینه‌ساز ارتقای انعطاف‌پذیری فضا می‌شود. شکل ۲ نشانگر ارتباطات دو سویه هر یک از مفاهیم اثرگذار بر بناهای میان‌افزا بر انسجام بصری و انعطاف‌پذیری فضایی در بافت سنتی شهر دزفول با یکدیگر است.

شکل ۷: روابط همبستگی بین مفاهیم اثرگذار بر بناهای میان‌افزا بر انسجام بصری و انعطاف‌پذیری فضایی در بافت سنتی شهر دزفول



کدگذاری و تولید گراف‌ها توسط نرم‌افزار گفی پرداخته می‌شود.

در این بخش از پژوهش باتوجه به روابط همبستگی بین مفاهیم اثرگذار بر بناهای میان‌افزا بر انسجام بصری و انعطاف‌پذیری فضایی در بافت سنتی شهر دزفول به

جدول ۸: مؤلفه‌های اثرگذار بر بناهای میان‌افزا بر انسجام بصری و انعطاف‌پذیری فضایی در بافت سنتی شهر دزفول

عنوان		عنوان	
معماری بومی	فرم بنا	بافت‌گرایی	مصالح با ظرفیت حرارتی بالا
	تنوع فضایی		بازشوهای کشیده و نواری
	درون‌گرایی		تابش خورشید
	سازه سبک		شکل هندسی حیاط
انعطاف‌پذیری	سازه‌های پیش‌ساخته	سبک‌گرایی	حیاط مرکزی
	فضای چندعملکردی		ایوان کشیده
	تفکیک و تجمع		درختان دفع حشرات
	جابه‌جایی روزانه و فصلی		بازی با آب
	دعوت‌کنندگی فضا		آب جاری

ورودی جدول ۸، براساس معیار تعریف‌شده، روابط احتمالی بین این دو گروه مشخص شدند. در نظریه گراف، ۲۰ اصل از موارد مطرح‌شده با اتصال‌پذیری آن‌ها در محیط دولایه گراف ایفای نقش خواهند کرد.

در جدول ۸، لیستی از معیارهای انعطاف‌پذیری فضا با استخراج از نتایج مصاحبه‌ها و پرسش‌نامه‌ها تهیه شده است. این معیارها در جدول ۹ جهت استفاده در برنامه گفی کدگذاری و برچسب‌گذاری شدند. با قرار دادن داده‌های ورودی حاصل از جدول ۹ در مقابل داده‌های

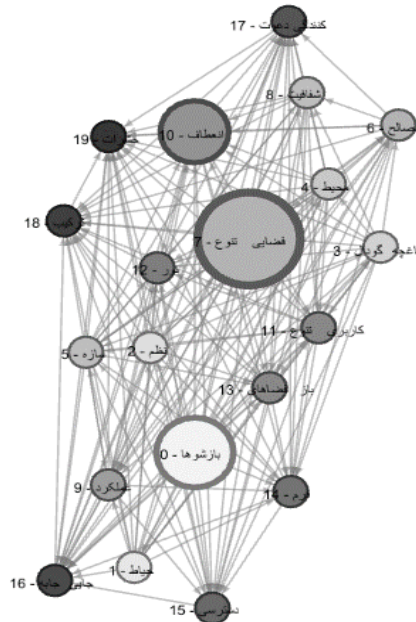
جدول ۹: مؤلفه‌های اثرگذار بر بناهای میان‌افزا بر انسجام بصری و انعطاف‌پذیری فضایی در بافت سنتی شهر دزفول

کد	برچسب	کد	برچسب
۰	بازشوها	۱۰	حشرات
۱	حیاط	۱۱	تنوع کاربری
۲	نظم	۱۲	نور
۳	گودال باغچه	۱۳	فضاهای باز
۴	محیط	۱۴	فرم
۵	سازه	۱۵	دسترسی
۶	مصالح	۱۶	جابه‌جایی
۷	دعوت‌کنندگی	۱۷	تنوع فضایی
۸	شفافیت	۱۸	ترکیب
۹	عملکرد	۱۹	درون‌گرایی

آمده از جدول ۵ را مشاهده کرد. این گراف پراکندگی و رابطه ایده‌آل بین مفاهیم را به خوبی به نمایش می‌گذارد. هر چه نمایش گره‌ها بزرگ‌تر باشد، وزن گره‌ها بیش‌تر است. بنابراین، در دور اول تحلیل‌ها، بدون تکیه زیاد به ویژگی‌های نظریه گراف، می‌توان جزئیات و ارتباطات بین مولفه‌های اثرگذار بر بناهای میان‌افزا در بافت سنتی شهر دزفول را مشاهده کرد.

شکل‌های ۸ و ۹ به ترتیب گراف‌های ترسیم‌شده با برنامه گفی را به نمایش می‌گذارند. شکل ۸ ارتباط میان مولفه‌های اثرگذار بر بناهای میان‌افزا در بافت سنتی شهر دزفول را نشان می‌دهد، در حالی که شکل ۹ براساس معیارهای موجود ترسیم شده است. هر دو تصویر مبنی بر داده‌هایی برای ارتقای انعطاف‌پذیری هستند. در شکل ۸، تحت شرایط ایده‌آل، می‌توان روابط بین معیارهای به‌دست

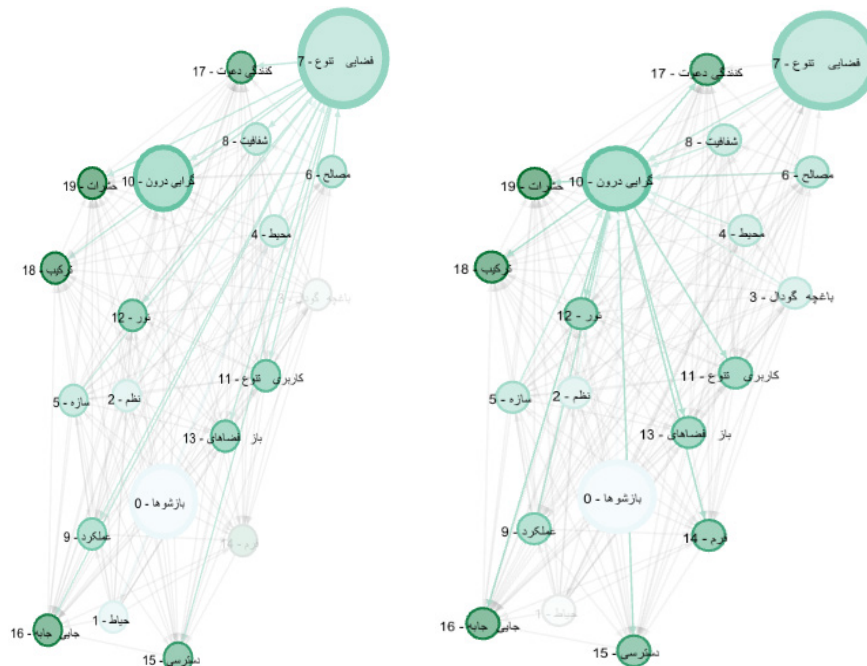
شکل ۸: گراف تولیدشده در نرم‌افزار گفی براساس مولفه‌های اثرگذار بر بناهای میان‌افزا بر انسجام بصری و انعطاف‌پذیری فضایی در بافت سنتی شهر دزفول



گراف گفی در شکل‌های ۸ و ۹، مکانیزمی مستقیم و قوی برای شناسایی مولفه‌های اثرگذار بر انعطاف‌پذیری فضا که در بناهای میان‌افزا در بافت سنتی شهر دزفول وجود ندارند، فراهم می‌نماید. علاوه بر این، این مقایسه اطلاعاتی پیرامون اقدامات احتمالی مورد نیاز برای دستیابی به طراحی (یا طراحی ایده‌آل) ارائه می‌دهد.

در شکل ۹، تحت معیارهای موجود، مجموعه‌ای نسبتاً متفاوت از روابط در مقایسه با گره‌ها و یال‌های گراف در شکل ۸ مشاهده می‌شود. تعداد روابط تعریف‌شده بیشتر بوده و پیچیدگی گراف نیز افزایش یافته است. عدم توازن میان گره‌ها و یال‌ها مشهود است که نشان‌دهنده پراکندگی گسسته‌تر یا شکاف بین روابط است. مقایسه دو

شکل ۹: گراف تولیدشده در نرم‌افزار گفی براساس مولفه‌های اثرگذار بر بناهای میان‌افزا بر انسجام بصری و انعطاف‌پذیری فضایی در بافت سنتی شهر دزفول



بناهای میان‌افزا در بافت سنتی شهر دزفول نشان می‌دهند، مهم‌ترین شاخص‌های موثر بر ارتقای انسجام بصری و انعطاف‌پذیری فضایی به ترتیب عبارتند از: سازه‌های سبک (۱۴.۹۳)، تنوع فضایی (۱۵.۳۲)، فضاهای چندعملکردی (۱۴.۷۶) و فرم بنا (۱۴.۷۱). همچنین باتوجه به گفته‌های پیشین، ارتقای الگوگیری از معماری بومی در بناهای میان‌افزا، زمینه‌گرایی و طبیعت‌گرایی، زمینه‌ساز ارتقاء انعطاف‌پذیری فضا می‌شود. در پژوهشی دیگر که در بافت تاریخی تبریز انجام شده است، نتایج نشان می‌دهند که شدت، ضعف و اهمیت هر بخش و رویکرد هر گرایش برای میان‌افزایی مجموعه تجاری مشروطه در بازار تبریز، وابسته به بافت تاریخی، خواسته‌ها، نیازها، اولویت‌ها و سیاست‌گذاری‌ها تغییر می‌کند. تحلیل‌هایی که بر مبنای الگوی میان‌رشته‌ای از معماری میان‌افزا صورت می‌گیرند، می‌توانند در ارزیابی عوامل دخیل در طراحی میان‌افزایی‌های جدید یا در حال ساخت سودمند باشند و بستر مناسبی را برای پیشنهادها و جهت‌دهی‌های آتی این پروژه‌ها فراهم آورند. با بررسی نمونه‌هایی از پژوهش‌های مرتبط با موضوع و انتخاب بافت تاریخی شهر دزفول، می‌توان نتیجه گرفت که روند پژوهش و نتایج حاصل از پژوهش‌های پیشین را تأیید کرده و تلاش کرده است تا با بررسی مولفه‌های جدید، گامی مؤثر در این زمینه بردارد. براساس تحلیل‌های صورت‌گرفته، برای رسیدن به طراحی میان‌افزای موفق، لازم است کنکاش و بررسی دقیقی در زمینه طراحی اثر انجام گیرد. زمینه طراحی (بافت تاریخی) خود محل مناقشه است و با درک صحیح شرایط می‌توان راه‌حل مناسبی برای آفرینش یک اثر معمارانه برگزید. اصول و نکات ذکرشده در این پژوهش می‌توانند به عنوان اصول پایه در طراحی بناهای میان‌افزا در بافت تاریخی شهرها مورد توجه قرار گیرند.

گراف‌های ترسیم‌شده با تمرکز بر زمینه‌گرایی، طبیعت‌گرایی، معماری بومی و انعطاف‌پذیری، تأییدکننده نمودار، روابط همبستگی بین مفاهیم اثرگذار بر بناهای میان‌افزا خواهد بود. بر این اساس همان‌طور که گراف‌ها در شکل ۹ نشان می‌دهند، عواملی چون دعوت‌کنندگی، تنوع فضایی، درون‌گرایی و غیره بیش‌ترین اثرگذاری را بر ارتقاء انعطاف‌پذیری و انسجام بصری را در بناهای میان‌افزا خواهند داشت.

۵. نتیجه‌گیری

در جمع‌بندی مطالب و پاسخ به پرسش اصلی پژوهش یعنی مولفه‌های تأثیرگذار در زمینه‌گرایی تا چه میزان بر انسجام بصری و انعطاف‌پذیری در بافت سنتی دزفول موثر است؟ می‌توان گفت عواملی چون الگو برداری از معماری بومی منطقه، توجه به تنوع فضایی و توجه به دعوت‌کنندگی فضا، سبب افزایش انسجام بصری و انعطاف‌پذیری فضا می‌شوند. در راستای بررسی و ارزیابی مولفه‌های اثرگذار بر بناهای میان‌افزا به منظور انسجام بصری و انعطاف‌پذیری فضایی در بافت سنتی شهر دزفول، از دو روش کمی و کیفی استفاده شده است. روش‌های نظری تبیین مولفه‌های موثر در بناهای میان‌افزا و همچنین مصاحبه، پرسش‌نامه و برداشت‌های میدانی به منظور ارزیابی ویژگی‌های ذهنی و ادراکی محیط مورد بهره‌برداری قرار گرفته‌اند. باتوجه به هدف اصلی پژوهش که بررسی تأثیر زمینه‌گرایی بناهای میان‌افزا بر انسجام بصری و انعطاف‌پذیری فضایی است، نتایج به‌دست آمده از تحلیل مصاحبه‌ها، پرسش‌نامه‌ها و بازدیدهای میدانی نشان می‌دهند که توجه به الگوهای بومی منطقه بیش‌ترین تأثیر را بر انسجام بصری و انعطاف‌پذیری در بناهای میان‌افزا دارد. همان‌طور که یافته‌های پژوهش در واکاوی دیدگاه افراد از شاخص‌های اثرگذار بر ادراک

تشکر و قدردانی

این مقاله هیچ حامی مالی و معنوی نداشته است.

تعارض منافع

این مقاله فاقد هرگونه تعارض منافی است.

تأییدیه اخلاقی

نویسندگان متعهد می‌شوند که کلیه اصول اخلاقی انتشار اثر علمی را براساس اصول اخلاقی COPE رعایت کرده‌اند و در صورت احراز هر یک از موارد تخطی از اصول اخلاقی، حتی پس از انتشار مقاله، حق حذف مقاله و پیگیری مورد را به مجله می‌دهند.

درصد مشارکت

نویسندگان اعلام می‌دارند به‌طور مستقیم در مراحل انجام پژوهش و نگارش مقاله مشارکت فعال داشته‌اند.

پی‌نوشت

1. MAXQDA
2. Lisrel
3. Gephi

فهرست منابع

- Atarian, Kourosh, and Behnaz Safarali Najjar. 2019. "Native and Historical Urban Underground Facilities and Urban Sustainability: Case Study of Dezful City Infrastructure." *Journal of Cultural Heritage Management and Sustainable Development* 9(1): 2-23. [in Persian]
- Bahmani, Elmira, Mohammad-Mahdi Goudarzi Soroush, and Mohammad Ebrahim Zarei. 2016. "Study of Contextual Factors in the Physical Structure of Houses and the Old Fabric of Sanandaj." *Journal of Iranian-Islamic City Studies*. [in Persian]
- Bidarbakht, Zahra. 2013. "Vernacular Architecture as Contextual Architecture: A Look at the Vernacular Architecture of Shushtar." In *International Conference on Civil Engineering, Architecture and Sustainable Urban Development*. Tabriz: Islamic Azad University, Tabriz Branch. [in Persian]
- Didehban, Mohammad, Behnaz Safarali Najjar, Kourosh Momeni, and Kourosh Atarian. 2020. "Evaluation of Specialists' and Non-Specialists' Visual Perception of Native Urban Spaces in Dezful Based on Gestalt Theory." *Armanshahr Architecture and Urban Development* 13(33): 107-119. [in Persian]
- Einifar, Alireza. 2003. "A Model for Analyzing Flexibility in Traditional Iranian Housing." *Honar-Ha-Ye-Ziba* (13): 64-77. [in Persian]
- Hakimi Kalkhoran, Maryam, Mohammad-Karim Khodapanahi, and Mahmoud Heydari. 2011. "The Relationship between Handedness and Visual-Spatial Abilities and Cognitive Flexibility." *Journal of Behavioral Sciences* 5(1): 83-89. [in Persian]
- Hashempour, Parisa, Ahad Nejad-Ebrahimi, and Sana Yazdani. 2018. "Application of the Contextualism Approach in the Regeneration of Historical Fabrics: Case Study of Saheb-ol-Amr Square, Tabriz." *Sustainable Architecture and Urban Design* 6(1): 105-126. [in Persian]
- Hataminejad, Hossein, Bahar Habibi, and Maryam Amirshakari. 2016. "Prioritizing Strategies for the Development of Religious Tourism in Dezful City." *Urban Tourism* 3(1): 59-76. [in Persian]
- Karamy, Jalal, Amineh Mohammadi, and Mohammad Sharifi Kia. 2016. "Spatial Analysis of Urban Flexibility after Earthquake Using the OWA Method in District 12 of Tehran." *Spatial Analysis of Environmental Hazards* 3(2): 23-34. [in Persian]
- Khodadadi, Elham, Mohammad-Reza Rahimzadeh, and Mehdi Mahmoudi Kamelabad. 2022. "Rereading the Mutual Relationship between Vernacular Architecture and the Beginning of Architecture." *Soffeh* 32(99): 5-17. [in Persian]
- Kiaei, Mahdokht, Hossein Soltanzadeh, and Ali Akbar Heidari. 2019. "Measuring the Flexibility of the Spatial System Using Space Syntax Technique: Case Study of Houses in Qazvin." *Bagh-e Nazar*. [in Persian]
- Maleki Ashlaghi, Mitra, and Maryam Ghalambor Dezfuli. 2023. "Explaining a Proposed Model for Qualitative Assessment of Soundscape with a Contextualism Approach in Urban Fabric Using Fourfold Matrices." *Manzar* 15(64): 42-53. [in Persian]
- Mirpanah, Reza, and Masoud Yousefi Tazakor. 2017. "Study of the Constituent Dimensions of Contextual Architecture and the Relationship between Vernacular Architecture and Its Effect on Spatial Composition in the Design of Educational Buildings Compatible with the Climate of Gilan Province." In *Sixth International Conference on Research in Engineering, Science and Technology*. London. [in Persian]
- Naghi, Pouyan, and Mostafa Kiani. 2019. "Explaining the Relationship between Vernacular Architecture and Contextualism." *Iranian Scientific Journal of Restoration and Architecture* 9(18): 71-90. [in Persian]
- Nari Qomi, Masoud, and Sajjad Damyar. 2015. "Approaches to Vernacular Architecture in Modern Architectural Theorizing." *Architecture in Hot and Dry Climate*. [in Persian]
- Qarehbeqlou, Minoo, Ahad Nejad-Ebrahimi, and Ilqar Ardebilchi. 2019. "Infill Architecture: An Interdisciplinary Approach to Design in Historical Context; Case Study: Mashruteh Commercial Complex in the Historical Bazaar of Tabriz." *Bagh-e Nazar* 16(76): 57-68. [in Persian]
- Rapaport, Amos. 2013. *Anthropology of Housing*. Translated by Khosrow Afzalian. 2nd ed. Tehran: Ketabkadeh Kasra. [in Persian]
- Rahimi, Leila, Leila Aliloo, and Hadith Bardbar. 2021. "Analysis of the Effect of Contextualism on Place Attachment in Historical Neighborhoods: Case Study of Sorkhab and Dochi Neighborhoods of Tabriz." *Geography and Urban-Regional Planning* 11(40): 1-22. [in Persian]
- Sotoudeh, Hossein, and Wan Mohd Zakri Wan Abdullah. 2012. "Affected Variables on Successful Infill Design in Urban Historic Context." *Arts and Design Studies* 3: 7-12.
- Torshabi, Karim Bakhsh, Gholamreza Akrami, and Alireza Einifar. 2021. "Flexibility in Vernacular Rural Housing of Baluchestan, Iran." *Architecture in Hot and Dry Climate* 9(13): 103-117. [in Persian]
- Wieland, Andreas, and Carl Marcus Wallenburg. 2012. "Dealing with Supply Chain Risks." *International Journal of Physical Distribution & Logistics Management* 42(10): 887-900.

نحوه ارجاع به این مقاله محتشمی‌فر، سارا، سعید عظمتی، و اعظم اسماعیلی. ۱۴۰۴. تحلیل میزان اثربخشی مولفه‌های زمینه‌گرایی بناهای میان‌افزا بر انعطاف‌پذیری فضا در بافت سنتی شهر دزفول. نشریه معماری و شهرسازی آرمان‌شهر ۱۸(۵۳): ۸۷-۱۰۴. DOI: 10.22034/AAUD.2024.462586.2890 URL: https://www.armanshahrjournal.com/article_247529.html	
COPYRIGHTS Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the Armanshahr Architecture & Urban Development Journal. This is an open- access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License. http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/	